

سود بانکی در بانکداری بدون ربا و نظام پول اعتباری

مقدمه

جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۲ قانون بانکداری بدون ربا را تصویب کرد و در کل کشور به مرحله اجرا درآورد. ایران تنها کشوری است که از زمان تصویب قانون بانکداری بدون ربا، بانکداری متعارف را در تمام شبکه بانکی به طور کامل به بانکداری بدون ربا تبدیل کرد. بانک توسعه اسلامی از ابتدای تأسیس (۳۷ سال قبل) تهیه و تدوین ابزارهای بانکی و پولی براساس مبانی اسلام و منطبق بر شریعت را در برنامه‌های خود قرار داد. این بانک در طول چهار سال اخیر، طراحی و توسعه ابزارهای مالی و پولی را توسعه داده و برخی از آن طرح‌ها و ابزارهای جدید را عملیاتی کرده و برخی دیگر را در دست مطالعه دارد. صکوک، اوراق مشارکت اسلامی، و Hedge برای مدیریت ریسک از این قبیل است.

تدوین ابزارهای جدید برای پاسخگویی به نیازهای بازار امروز رمز ماندگاری و رشد و توسعه بانکداری اسلامی است. اگر نتوانیم برای پدیده‌هایی که فعالان اقتصادی به‌طور روزمره با آن روبه‌رو هستند، پاسخی روشن و متناسب با نظام پول اعتباری، در قالب اصول و مبانی اسلامی ارائه کنیم، انتظار توسعه و ترویج بانکداری اسلامی و پذیرش عمومی آن، عبث خواهد بود. اصولی که پیروی از آن لازم است در انواع مشارکت‌ها، تعریف پول اعتباری و تبیین نحوه محاسبه اصل ارزش آن، و ضرورت پوشش ریسک در بانکداری اسلامی، محورهای مهم در این زمینه هستند.

شرایط دشوار اقتصادی و مشکلاتی چون تورم، بیکاری، مسکن، تولید، می‌تواند حاصل رویدادها، سیاستگذاری‌ها و تصمیمات مدیریتی و اجرایی باشد.

تجربه‌های موفق جهانی و ابداع روش‌ها و تکنیک‌هایی که با شرایط جامعه ما همخوان باشند می‌تواند ما را در بهبود این اهداف و توسعه کشورمان یاری رساند. کشور ما با تقاضای انبوه و رو به تزاید منابع مالی برای احداث و بهره‌برداری از پروژه‌ها و نیز تهیه نیازهای زندگی مردم روبه‌رو است. لیکن نظام پولی و همچنین بازار سرمایه کشور و منابع موجود در آن‌ها توان پاسخگویی به این تقاضاها را ندارد. در همان حال سرعت و شدت رشد تقاضا بسیار بیشتر از رشد ظرفیت نهادهای مالی است. باید چاره‌ای بیندیشیم و از ابزارهای مختلف برای افزایش توان نهادهای مالی استفاده کنیم.

در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور هدفگذاری شده است که ایران می‌بایست در پایان برنامه به قدرت اول اقتصادی منطقه تبدیل شود. کشورهای منطقه به لطف منابع سرشار نفتی و کمک گرفتن از تدابیر و سیاست‌های اصولی و علمی اقتصاد، پیشرفت‌های چشمگیری که داشته‌اند، بخش بزرگی از مشکلاتی که در این راه با آن مواجه بوده‌اند، را حل کرده‌اند. مشکلاتی که برای ما به‌وجود آمد فرصت‌های جدیدی برای دیگران فراهم کرد و راه را برای پیشرفت آن‌ها هموارتر کرد.

برای رسیدن به هدف مندرج در چشم‌انداز باید‌های زیادی پیش‌رو داریم که مهم‌ترین آن‌ها داشتن یک سیستم پولی و مالی مقتدر است. سیستم پولی همانند رگ‌های اقتصاد یک جامعه است که باید پول و منابع مالی را که همان خون اقتصادی است، به خوبی به جریان بیندازد. پیچیدگی و تنوع خدمات مالی و تغییر روابط و مناسبات مؤسسات مالی و پیشرفت‌های تکنیکی و الکترونیکی طی چند سال اخیر، صنعت مالی کشور را با رقابتی سخت روبه‌رو کرده است. در این مسیر مبادلات مختلف مؤسسات تولیدی با بازارهای جهانی، در گرو ارتباط سریع و مناسب سیستم بانکی کشور با دنیای خارج است. از این‌رو چاره‌ای جز ایجاد اقتدار در سیستم مالی نداریم. در این رهگذر می‌توان به چالش‌های اساسی نظام پولی و مالی در حوزه‌هایی همچون سیاست‌های مالی، ساختاری، نظارتی و فناوری اشاره کرد که هر یک مشکلات خاصی برای پیشرفت و تکامل سیستم بانکی به‌وجود آورده است. بدیهی است که اصلاحات اساسی در نظام پولی و مالی کشور از جمله موارد زیر است که چاره‌ای اساسی و مثمرتر در این راه به شمار می‌آید.

- بازنگری قوانین و مقررات بانکداری اسلامی
- ایجاد تناسب و تعامل بیشتر با بانکداری مدرن
- پوشش نیازهای مشتریان در قالب بانکداری اسلامی
- خلق ابزارهای جدید مالی
- ایجاد مؤسسات و نهادهای جدید
- توسعه بانکداری الکترونیک
- خصوصی‌سازی بانک‌ها
- کاهش حجم تصدیگری دولت
- اصلاح روش‌ها و تکنیک‌های بانکداری

همان‌طور که اشاره شد یکی از جریان‌های عمده اقتصادی هر کشور، سیاست‌های پولی و اعتباری است. در این راستا باید سعی شود سیاست‌های پولی را براساس سیاست‌های اقتصادی دولت که به‌صورت قانون برنامه توسعه اقتصادی کشور تنظیم و تصویب می‌شود، تطبیق نمود. برنامه توسعه اقتصادی کشور از طریق سیاست‌های بودجه‌ای دولت تأمین مالی می‌شود. در خارج از این قوانین و مقررات، هرگونه دخالت دولت در سیاست‌های پولی غیرمتعارف و غیرمتداول است. به‌عنوان مثال دخالت دولت در تعیین نرخ سود بانکی، آن هم به‌صورت دستوری منجر به آثار زیانبار اقتصادی از جمله افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، رانت‌خواری و ... می‌شود. نتیجه چنین تصمیمات و سیاست‌هایی کشور را با عدم تعادل‌های اقتصادی و پدیده‌های نامطلوب مواجه می‌سازد.

از سوی دیگر افزایش فاصله تورم و سود بانکی موجب می‌شود که اخذ اعتبار بانکی از یک ابزار مالی و تولیدی، تبدیل به یک ویژه‌خواری و رانت‌جویی بشود. این تفاوت ماهیت موجب تغییر برداشت و استنباط عمومی درباره وام‌گیرندگان می‌شود. کسانی که توانسته باشند اعتبار بانکی بگیرند، به‌عنوان افرادی که اهل تولید و سرمایه‌گذاری‌اند شناخته و ارزیابی نمی‌شوند، بلکه از آنان به‌عنوان کسانی که توانسته‌اند رانت بیشتری به‌دست آورند یاد می‌شود.

با این تغییر مفهوم در اعتبارات بانکی، به منظور تأمین مصالح اجتماعی و مراقبت از سلامت مالی و اقتصادی کشور نظام تصمیم‌گیری کشور احساس وظیفه می‌کند تا در این امر دخالت کند و وارد تصمیم‌گیری اعتبارات مشتریان شود و نسبت به توزیع عادلانه و عمومی و گسترده آن در سطح عموم اقدام کند. احساس وظیفه می‌کند که نگذارد هیچ کس از حد معینی بیشتر از اعتبار بانکی استفاده کند.

بدیهی است نظام تصمیم‌گیری در این زمینه از چرخه خود خارج و متناسب با این مفهوم جدید تبدیل به یک نظام دولتی و تخصیص اعتبارات دولت به بخش خصوصی می‌شود. در بودجه کل کشور و در بودجه عمومی این نوع پرداخت‌ها را می‌توان به‌عنوان پرداخت‌های انتقالی نامید؛ و سرانجام موجب می‌شود گیرندگان آن که اعتبار دولتی را دریافت کرده‌اند، آن را به‌عنوان یک هدیه دولتی تلقی و تصویری درخصوص لزوم بازپرداخت آن نداشته باشند. افزایش بدهی‌های معوق موجب کاهش توان بانک‌ها در تأمین منابع اعتباری اقتصاد می‌شود. نتیجه این می‌شود که کمبود موجود را در خوشبینانه‌ترین فرض، ناشی از سوء مدیریت بانک‌ها بداند. این ارزیابی باعث خواهد شد که برای حل مشکل اول آنکه نسبت به تغییر مدیران بانکی اقدام شود و دوم آنکه دخالت بیشتری در توزیع اعتبارات بانکی، انجام گیرد.